

که حقایق را بدهد یا ندهد؟

که بدهد. جلسات متعددی در سطح رهبری شان برگزار شده است و خیلی از مقامات طالبان در سطوح مختلف به ما گفته‌اند عزم امارت اسلامی این است که آب را بدهد؛ ولی این مشکل فنی هم وجود دارد. به نظر من نگران‌کننده است.

الان برای آب سیستان باید چه کرد؟

نکته‌ای باید بگویم؛ چون به جلسات متعددی رفته‌ام در این رابطه و پژوهش بسیار انجام داده‌ام. هنوز طرح و راهبرد درستی به نظر من در زمینه آب‌های مشترکمان با افغانستان نداریم. شاید پژوهش‌های درستی انجام نشده تا مشخص شود مشکل چیست و کشور افغانستان در چه شرایطی به سر می‌برد و صرفاً تعاملاتی این آب می‌آید برای ما. متوجه هستید؟ گاهی پیگیری کرده‌ام. همه کار را مسکوت نگه می‌دارند و وقتی شرایط بغرنج می‌شود همه به این فکر می‌کنند که باید چه کرد. در شرایط بغرنج اتفاقی می‌افتد و آب یا می‌آید یا نمی‌آید؛ ولی به محض اینکه پرونده از صدر اخبار رسانه‌ها حذف شد، دوباره هرکسی می‌رود دنبال کار خودش. وقتی هم کسی می‌خواهد فعالیت پژوهشی و علمی بکند، می‌گویند: «چقدر طول می‌کشد؟»

مثلاً می‌گویند: «یک سال» یا «نه ماه».

می‌گویند: «نه، ما الان لازم داریم.»

پرونده را که نگاه می‌کنیم می‌بینیم مثلاً سه یا ده یا پانزده سال است که باز است و ما هنوز نمی‌دانیم برای آمدن آب شرایط افغانستان چیست. آن‌ها چه درخواست‌هایی و چه پتانسیل‌هایی دارند و با چه چیزهایی مردم متقاعد می‌شوند و با چه چیزهایی حکومت متقاعد می‌شود. چه معاهداتی می‌تواند به این توافق کمک بکند؟ چه همکاری‌هایی با دیگر همسایه‌ها می‌تواند کمک کند؟ این‌ها سؤال‌های بی‌پاسخ است. از سوی دیگر مشکل آب فقط مشکل ما با افغانستان نیست. مشکل از یک‌ها هم هست و می‌تواند شدیداً حجم ورودی آب آن‌ها را در نتیجه کشاورزی‌شان راتحت تأثیر قرار دهد. میزان آب تقریباً بیش از بیست برابر حق آب ما است. بحث آبی هم که از پاکستانی‌ها یا ترکمنستانی‌ها یا پاکستانی‌ها استفاده می‌کردند، مطرح است. این مشکل می‌طلبد که در بعضی جاها همکاری‌های بین‌کشوری و بین‌همسایگی باشد و در تعاملی مشترک با افغانستان بالاخره همه به منفعتی برسند. از این وجه، به نظرم در مورد آب نتوانستیم درست کار بکنیم تا بتوانیم پاسخ بدهیم چطوری مشکل مردم سیستان حل می‌شود.

این از بعد خارجی مشکل بود. در بعد داخلی سیستان سرنوشتی غم‌بار دارد. روایت سختی درباره سیستان است که اسمش را گذاشته‌اند «بهشت پیمانکاران»؛ یعنی هر سال یا هر چهار سال یا در هر دولتی من مستند ساز و دیگر مستند سازها یا من عکاس و دیگر عکاس‌ها گزارش‌هایی ساختیم از سیستان و از سختی‌هایی که مردم سیستان متحمل می‌شوند؛ اما بعد سودش را پیمانکاری آمده و برده است بدون اینکه مشکل آب حل شود. اگر نگاه دقیقی بیندازیم در دولت‌های مختلف چنین بوده است.

در مورد انتقال آب

هم برخی گفتند

وقتی سیستان

خشک می‌شود که

اقیانوس‌های دنیا

خشک شوند. نه

مشکل نمک‌زدایی

را درست انجام

دادند، نه

انتقالشان را که

مثلاً چقدر نیروگاه

می‌خواهد، نه

میزانش را. میزان

حق آب ما ۸۲۰

میلیون مترمکعب

در سال است؛ اما

آبی که به سیستان

می‌رسد کمتر از صد

میلیون مترمکعب

در سال است.

ناگهان دیدند فقط

می‌توانند آب شرب

را پوشش بدهند

پیمانکاری که کارش به نتیجه نرسیده است؟

پیمانکار کارش به نتیجه رسیده است؛ ولی هیچ آبی برای مردم سیستان از داخلش